

Original Article

The Effect of Good Governance on Competitiveness in Tehran Stock Exchange

Hedyeh Mir¹, Akbar Rahimi poor², Seyyed Abdulmajid Jalae³

Received:2019/03/16

Revised: 2020/10/01

Accepted:2020/10/12

Abstract

Good governance is a new paradigm for sustainable human development with interactions among government, the private sector and civil society, so that countries can use all their capabilities to achieve comprehensive development. In addition, the economic performance of countries over time depends mainly on their political, institutional and legal environment. These institutions and policies determine the quality of governance among countries. The present study aims to measure the impact of good governance on competitiveness in the Tehran Stock Exchange. The research sample includes 11 companies listed on the Tehran Stock Exchange during 2010-2017. In this research, Levin-Lin-Chu and Hadri tests are used to check stationarity of the variables and Kao and Pedroni tests are used to investigate the long-term and co-integration relationship between the variables. According to the results, the companies' stock returns, governance index, real rate and total capital are stationary at the level, while the GDP and exchange rate have unit roots. The results of the Kao test also confirm the existence of a co-integrating relationship between the variables under study. After examining the stationarity and co-integration among variables, the research hypotheses are tested by using panel data and multivariate regression analysis with applying EViews software. The results indicate that good governance have a positive and significant effect on competitiveness. This indicates that economic policies can affect positively the stock returns. Moreover, exchange rate fluctuations affect competitiveness. Hence, competitiveness increases with a decrease in exchange rate. GDP also has a positive effect on competitiveness.

Keywords: Good Governance, Competitiveness, Competitive Advantage Indicators

JEL Classification: C13, C33, O15

1. MA in Accounting, Member of young researchers and elites club of Sirjan,

E-mail: hedyehmir2335@yahoo.com

2. PhD Candidate in Accounting, Alborz Campus, University of Tehran,(Corresponding author),

E-mail: Akbar.rahimipoor@ut.ac.ir

3. Professor of Economics, Shahid Bahonar University, E-mail: jalae@uk.ac.ir

دوفصلنامه سیاست‌گذاری پیشرفت اقتصادی دانشگاه الزهرا(س)
سال هفتم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۸ (پیاپی ۲۰)

مقاله پژوهشی

تأثیر حکمرانی خوب بر رقابت‌پذیری در بورس اوراق بهادار تهران^۱

هدیه میر^۲، اکبر رحیمی پور^۳ و سید عبدالمجید جلائی^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۲۶

تاریخ بازنگری: ۱۳۹۹/۰۷/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۲۱

چکیده

حکمرانی خوب، الگوی جدیدی برای توسعه پایدار انسانی با سازوکار تعاملی سه بخش دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی است تا به موجب آن، کشورها بتوانند از همه توانمندی‌های خود در توسعه همه‌جانبه استفاده کنند. همچنین عملکرد اقتصادی کشورها در طول زمان، تا حد زیادی به محیط سیاسی، نهادی و قانونی آنها وابسته است. این نهادها و سیاست‌ها، مشخص‌کننده کیفیت حکمرانی در بین کشورها هستند. پژوهش حاضر، باهدف اندازه‌گیری تأثیر حکمرانی خوب بر رقابت‌پذیری در بورس اوراق بهادار تهران انجام شده است. نمونه پژوهش، ۱۱ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره ۱۳۹۶-۱۳۸۹ را دربرمی‌گیرد. در این پژوهش، برای انجام آزمون مربوط به مانایی متغیرها از آزمون لوین-لین و چو و هادری و از آزمون کائو و پدرونی جهت بررسی رابطه همجمعی و بلندمدت بین متغیرها استفاده می‌شود. بر اساس نتایج ارائه شده، متغیر بازده سهام شرکت‌ها، شاخص

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/EDP.2020.30722.1234

۲. کارشناس ارشد حسابداری، عضو باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان؛ hedyehmir2335@yahoo.com

۳. دانشجوی دکتری حسابداری، پردیس البرز دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)؛ Akbar.rahimipoor@ut.ac.ir

۴. استاد دانشکده اقتصاد، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران؛ jalae@uk.ac.ir

حکمرانی، نرخ واقعی و سرمایه کل در سطح مانا هستند، درحالی‌که متغیر تولید ناخالص داخلی و نرخ ارز، دارای ریشه واحد است. همچنین نتایج آزمون کائو، وجود رابطه همجمعی بین متغیرهای الگو را تأیید می‌کند؛ بنابراین یک رابطه تعادلی بلندمدت بین حکمرانی خوب و متغیرهای مستقل معرفی شده وجود دارد. پس از بررسی مانایی و رابطه همجمعی بین متغیرهای پژوهش، با استفاده از داده‌های تلفیقی و تحلیل رگرسیون چندگانه با نرم‌افزار E-Views و تکنیک داده‌های تابلویی، به بررسی فرضیه پژوهش پرداخته می‌شود. نتایج پژوهش، بیانگر این است که حکمرانی خوب می‌تواند بر رقابت‌پذیری، تأثیر مثبت و معنی داری داشته باشد و این موضوع، نشان‌دهنده آن است که سیاست‌های اقتصادی می‌تواند اثر مثبتی روی بازدهی سهام در بورس اوراق بهادار داشته باشد. همچنین تغییرات نرخ ارز، رقابت‌پذیری را تحت تأثیر قرار داده و با کاهش نرخ ارز، رقابت‌پذیری بیشتر و با افزایش نرخ ارز، رقابت‌پذیری بهبود پیدا می‌کند. تولید ناخالص داخلی نیز تأثیر مثبت بر رقابت‌پذیری را نشان می‌دهد.

واژگان کلیدی: حکمرانی خوب، رقابت‌پذیری، شاخص‌های تعیین‌مزیت رقابتی
طبقه‌بندی JEL: O15, C13, C33

۱. مقدمه

پس از فراز و نشیب‌های فراوان در سیر تحول اندیشه توسعه، نظریه حکمرانی خوب یعنی نحوه اداره کشور، شیوه تصمیم‌گیری و چگونگی تعامل بین دولت و مردم به‌عنوان بنیان توسعه، مطرح شده است (جاسبی و نفری، ۱۳۸۸).

نهادهای مالی بین‌المللی نظیر بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، جملگی بر این باورند که حکمرانی خوب، یک ضرورت حیاتی برای کمک به تحقق برنامه‌های توسعه است. در دهه‌های اخیر و بویژه در دهه ۹۰ میلادی، پژوهش‌های زیادی در مورد مدیریت دولتی و انتخاب بهترین چهارچوب حاکمیتی دولت صورت گرفته است که در این میان، پژوهش‌های بانک جهانی از جایگاه خاصی برخوردار است. حکمرانی مفهوم گسترده‌ای است که با حوزه‌هایی چون محیط اقتصادی و یا به عبارتی امنیت اقتصادی، سیاست، اجتماع و حقوق ارتباط مستقیم دارد. بانک جهانی در گزارش سال ۱۹۹۷ خود با عنوان "نقش دولت در جهان در حال تحول"، نه تنها بر نقش تعیین‌کننده دولت در تحولات اقتصادی اشاره کرده، بلکه دامنه بحث‌های نظری و تجربی در مورد کارکرد دولت را در سطح جهانی گسترش داده است، که سلسله مباحث مذکور، به تعیین مفهوم حکمرانی منتهی گردید.

بانک جهانی، حکمرانی را شیوه استفاده از قدرت در مدیریت منابع اقتصادی و اجتماعی برای دستیابی به توسعه پایدار تعریف می‌کند. مطابق تعریف بانک جهانی، کشورهای عضو باید به بهبود سازوکارهای تخصیص منابع، فرایندهای تدوین، انتخاب و اجرای خط‌مشی‌ها و روابط بین شهروندان و حکومت پردازند. قطعنامه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، به صورت آشکار، حکمرانی را در پیوند با بستر محیطی می‌داند که رو به سوی بهره‌مندی از حقوق بشر و رشد توسعه انسانی پایدار دارد. با پیوند حکمرانی خوب و توسعه انسانی پایدار، بر اصولی چون مشارکت‌جویی و ارتقای حقوق بشر تأکید می‌گردد و دستورالعمل‌های تجویزی و اجباری برای ایجاد توسعه موردنظر خواهد بود (کمیجانی و سلاطین، ۱۳۸۷).

بررسی و مشاهده روند اقتصادی کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، نشان می‌دهد در کشورهایی که دولت‌ها اثربخش‌ترند، قانون و دستگاه‌های قضایی، حاکمیت گسترده‌تر، و شهروندان حق اظهار نظر بیشتری دارند و دولتمردان پاسخ‌گو هستند و فساد و بار مالی مقرراتی کمتر است. به بیان دیگر، وقتی در جامعه‌ای حکمرانی بهتر است، فضای کسب و کار مناسب‌تر و محیط رقابتی‌تر، سرمایه‌گذاری در زمینه‌های مختلف از جمله سرمایه فیزیکی، انسانی، فناوری اطلاعات و ارتباطات، تحقیق و توسعه و ... بیشتر است و در نتیجه، شاهد نرخ رشد مستمر و باثبات‌تر درآمد سرانه خواهیم بود (بادون^۱، ۲۰۰۵).

یکی از زوایا و ابعاد مهم اندیشه حکمرانی خوب، بعد اقتصادی آن بوده، و از این‌رو، برای درک بهتر و کامل‌تر مفهوم حکمرانی خوب، توجه به برخی مفاهیم و مسائل اقتصادی لازم است. به همین سبب در اینجا مدخل بحث، اقتصاد می‌باشد، و با نگرش علمی به مسأله و با استفاده از معیارهای موجود در این زمینه، شناخت کاملی از حکمرانی خوب و تأثیر آن بر رقابت‌پذیری لازم می‌آید. در این پژوهش، به این سؤال پاسخ داده می‌شود که میزان تأثیر حکمرانی خوب بر رقابت‌پذیری چقدر است؟ در پاسخ به سؤال پژوهش که شناخت تأثیر حکمرانی خوب بر رقابت‌پذیری را دنبال می‌کند، طبیعی است که نوآوری پژوهش، بررسی تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر درجه رقابت‌پذیری باشد که نتایج آن، می‌تواند به دولت‌ها کمک کند که بر کدامین شاخص‌های حکمرانی خوب متمرکز شوند.

۲. مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

۲-۱. مبانی نظری رقابت‌پذیری

شاخص رقابت‌پذیری مجمع جهانی اقتصاد، از ۳ زیر شاخص نیازهای اساسی، کارایی محور و نوآوری محور و به وسیله ۱۲ رکن تقسیم‌بندی می‌شود. در محاسبه این شاخص، حدود ۱۱۳ متغیر اندازه‌گیری می‌شود که تقریباً دو- سوم از این متغیرها بر اساس نظرسنجی از مدیران

1. Badun

اجرای بنگاه‌های اقتصادی و یک-سوم باقیمانده، براساس داده‌های آماری کشورها اندازه‌گیری می‌شوند.

شاخص رقابت‌پذیری کشورها در محدوده ارقام ۱ تا ۷ به‌طور کمی محاسبه می‌شود. بر این اساس، هرچه شاخص به رقم ۷ نزدیک‌تر باشد، قدرت رقابت‌پذیری کشور بیشتر است. رتبه‌بندی مجمع جهانی اقتصاد می‌تواند سرمایه‌گذاران بین‌المللی را در انتخاب مکان‌های مناسب سرمایه‌گذاری و همچنین بانک‌ها را در ارزیابی ریسک یک کشور خاص، راهنمایی کند. همچنین رتبه‌بندی مذکور می‌تواند درباره نقاط قوت و ضعف فضای اقتصادی یک کشور خاص و درباره جوانب رقابت‌پذیری، اطلاعات مفیدی به سیاستگذاران ارائه نماید (محسنی زنوزی و اسماعیلی^۱، ۲۰۱۳).

طی سال‌های اخیر، متغیرهای بسیاری به‌عنوان محرک‌های رشد، بهره‌وری و رقابت‌پذیری مطرح‌شده‌اند که شناخت و درک عوامل پشت این فرایند، فکر اقتصاددانان را به خود مشغول کرده است. این تلاش‌ها از تأکید آدام اسمیت بر تخصصی کردن فعالیت‌ها و تقسیم نیروی کار تا تمرکز اقتصاددانان نئوکلاسیک بر سرمایه‌گذاری در سرمایه‌فیزیکی و زیرساخت‌ها و اخیراً نیز توجه به سایر سازوکارها نظیر آموزش، پیشرفت فناوریانه، ثبات در سطح کلان اقتصادی، حکمرانی خوب، عملکرد مناسب بنگاه‌ها، کارایی بازارها و سایر موارد را در برمی‌گیرد. این نظرات متنوع و گوناگون، به‌وسیله شاخص رقابت‌پذیری جهانی^۲ به‌صورت ارائه میانگین وزنی از مؤلفه‌های متعدد بسیاری که هرکدام جنبه‌های مختلف رقابت‌پذیری را اندازه‌گیری می‌کند، تبیین می‌شود (شاه‌آبادی و صادقی^۳، ۲۰۱۱).

از دیدگاه مجمع جهانی اقتصاد، رقابت‌پذیری توانایی اقتصادی ملی در پایداری رشد یا حفظ استاندارد زندگی (درآمد سرانه) است. یا در تعریف دیگر، رقابت‌پذیری، توانایی یک کشور در به دست آوردن رشد پایدار تولید ناخالص داخلی سرانه است (پژویان و فقیه‌نصیری^۴، ۲۰۱۰).

صندوق بین‌المللی پول^۵، نرخ واقعی ارز^۶ یا نرخ مؤثر واقعی ارز^۷ را به‌عنوان شاخصی برای رقابت‌پذیری در نظر می‌گیرد. تعیین کمتر از ارزش نرخ ارز، منجر به افزایش و تعیین بیش از ارزش نرخ ارز، منجر به کاهش رقابت‌پذیری محصولات داخلی می‌شود (همان).

توجه به مفهوم رقابت‌پذیری از منظر صادرات، رویکرد بسیار محدود به این موضوع است. تخمین رقابت‌پذیری می‌باید منعکس‌کننده تمامی تصمیمات اقتصادی، مسائل سیاسی و اجتماعی و رفاه عمومی باشد و بتواند به توانایی کشور در خلق پایدار ارزش‌افزوده کمک

1. Mohseni Zenuzi & Esmaeli
2. Global Competitiveness Index (GCI)
3. Shahabadi & Pourjavan
4. Pajooyan & Faghihnasiri
5. International Monetary Fund (IMF)
6. Real Exchange Rate (RER)
7. Real Effective Exchange Rate (REER)

کند. به همین دلیل، بسیاری از صاحب‌نظران، رقابت‌پذیری را در کارآیی و به‌صورت بهره‌وری نیروی کار در نظر می‌گیرند. رقابت‌پذیری، توانایی یک کشور در بهترین استفاده از منابع است تا به رفاه عمومی دست یابد. کشورهای در حال توسعه می‌توانند برای داشتن صنایع بین‌المللی رقابت‌پذیر، از هزینه بهره‌وری پایین آنها به شکل دستمزد پایین استفاده نمایند. پژوهشگرانی که بر هزینه پایین نیروی کار به‌عنوان عامل رقابت‌پذیر تکیه دارند، مفهوم محدود رقابت‌پذیری بنگاه را بر رقابت‌پذیری ملی تطبیق می‌دهند (توتونچیان و مهرنوش^۱، ۲۰۱۱). بر پایه دیدگاه ریکاردو، کشورهای کوچک نیز می‌توانند در تولید یک کالای بخصوص که در تولید آن از مزیت نسبی برخوردارند، تخصص پیدا کنند، چراکه دستمزدها به بهره‌وری نیروی کار بستگی داشته و بهره‌وری نیروی کار نیز بین کشورهای مختلف متفاوت است (پژویان و فقیه نصیری، ۲۰۱۰).

طبق تعریف انستیتو بین‌المللی توسعه مدیریت^۲، رقابت‌پذیری هر کشور، توانایی آن کشور در زمینه ایجاد و حفظ محیط رقابت‌پذیر بوده که صرفاً با شاخص‌هایی نظیر تولید ناخالص داخلی و یا بهره‌وری در ارتباط نیست، زیرا هر نوع کسب‌وکاری می‌تواند تحت تأثیر ابعاد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نیز قرار گیرد. در نتیجه، کشورها باید محیطی را که از نظر ساختارها و نهادها کارآمد بوده، تأمین، و سیاست‌هایی که رقابت‌پذیری را تشویق کند، تعیین نمایند. شاخص‌های ارزیابی رقابت‌پذیری در چهار گروه به شرح زیر، تقسیم می‌شوند:

۱. **عملکرد اقتصادی:** شامل اقتصاد داخلی، تجارت بین‌الملل، اشتغال و قیمت‌ها؛

۲. **کارآیی دولت:** شامل دارایی‌های عمومی، سیاست مالی، چهارچوب نهادی و قوانین تجاری؛

۳. **کارآیی تجاری:** شامل بهره‌وری، بازار کار، منابع مالی و روش‌های مدیریتی؛

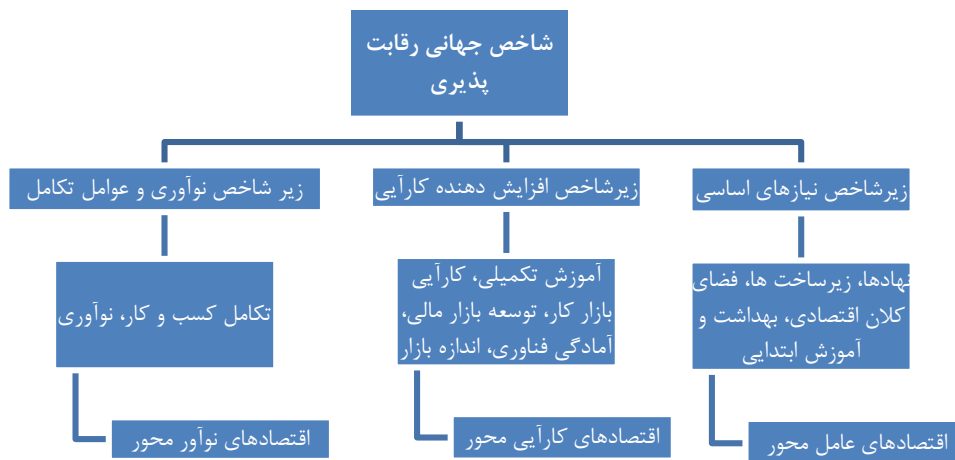
۴. **بسترها:** شامل بسترهای فناوری، علمی، سلامتی، محیط‌زیست و آموزش.

بررسی تمامی تعاریف و تحلیل‌های رقابت‌پذیری، بیانگر این موضوع است که عملکرد اقتصادی (مانند رشد اقتصادی) لزوماً نمی‌تواند درجه رقابت‌پذیری کشورها را به‌طور واقعی نشان دهد (توتونچیان و مهرنوش، ۲۰۱۱).

گزارش رقابت‌پذیری مجمع جهانی اقتصاد در سال ۲۰۱۴، ساختار شاخص جهانی رقابت‌پذیری را به شرح نمودار شماره (۱) ارائه نموده است:

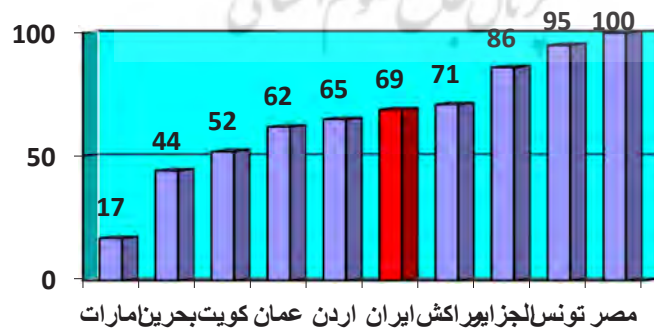
1. Totonchyan & Mehmoosh

2. Institute of Management Developmen (IMD)



نمودار ۱. ساختار شاخص جهانی رقابت‌پذیری
(گزارش رقابت‌پذیری مجمع جهانی اقتصاد، ۲۰۱۴)

همچنین گزارش رقابت‌پذیری مجمع جهانی اقتصاد در سال ۲۰۱۸، در محاسبه شاخص رقابت‌پذیری جهانی، ایران از رتبه ۷۶ در سال گذشته به رتبه ۶۹ در میان ۱۳۷ کشور مورد بررسی ارتقاء یافته و از میان ۱۳ کشور حوزه خاورمیانه و شمال آفریقا، در جایگاه هشتم قرار گرفته است. بهبود رتبه ایران در این شاخص را بیش از هر چیز می‌توان متأثر از برجام و ایجاد امید به آینده‌ای روشن برای مبادلات و همکاری‌های اقتصادی ایران و کشورهای غربی دانست. نمودار شماره (۲) نیز وضعیت ایران را در مقایسه با دوازده کشور از کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا که در گزارش رقابت‌پذیری جهانی مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند، نشان می‌دهد. امارات در میان این کشورها با کسب رتبه ۱۷ بهترین و مصر با رتبه ۱۰۰ بدترین عملکرد را دارند (گزارش سالانه رقابت‌پذیری جهانی، مجمع جهانی اقتصاد، ۲۰۱۸).



نمودار ۲. وضعیت ایران در مقایسه با دوازده کشور از کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا در گزارش رقابت‌پذیری جهانی

همچنین مطابق جدول شماره (۱)، در ارکان ثبات اقتصاد کلان، نهادها و نوآوری، بیشترین نوسان رتبه و در ارکان اندازه بازار، بهداشت و آموزش ابتدایی، کارآیی بازار نیروی کار و زیرساخت‌ها، کمترین تغییرات مشاهده می‌شود.

جدول ۱. گزارش سالانه رقابت پذیری جهانی بین سال های ۲۰۱۱-۲۰۱۸

سال	ارکان							
	۲۰۱۸	۲۰۱۷	۲۰۱۶	۲۰۱۵	۲۰۱۴	۲۰۱۳	۲۰۱۲	۲۰۱۱
نهادها	۸۵	۹۰	۹۴	۱۰۸	۸۳	۶۸	۷۲	۸۲
زیر ساخت ها	۵۷	۵۹	۶۳	۶۹	۶۵	۶۹	۶۷	۷۴
ثبات در اقتصاد کلان	۴۴	۷۲	۶۶	۶۲	۱۰۰	۵۷	۲۷	۴۵
بهداشت و آموزش ابتدایی	۵۰	۴۹	۴۷	۵۲	۵۱	۴۶	۵۰	۵۴
آموزش عالی و حرفه‌ای	۵۱	۶۰	۶۹	۷۸	۸۸	۷۸	۸۹	۸۷
کارآیی بازار کالا	۱۰۰	۱۱۱	۱۰۹	۱۲۰	۱۱۰	۹۸	۱۰۳	۹۸
کارآیی بازار نیروی کار	۱۳۰	۱۳۴	۱۳۸	۱۴۲	۱۴۵	۱۴۱	۱۳۹	۱۳۵
پیشرفته بودن بازار مالی	۱۲۸	۱۳۱	۱۳۴	۱۲۸	۱۳۰	۱۲۳	۱۲۳	۱۲۰
آمادگی تکنولوژیک	۹۱	۹۷	۹۹	۱۰۷	۱۱۶	۱۱۱	۱۰۴	۹۶
پیشرفته بودن بنگاه تجاری	۹۷	۱۰۹	۱۱۰	۱۱۰	۱۰۴	۹۳	۹۲	۹۱
اندازه بازار	۱۹	۱۹	۱۹	۲۱	۱۹	۱۸	۲۱	۲۰
نوآوری	۶۶	۸۹	۹۰	۸۶	۷۱	۶۵	۷۰	۶۶
جمع کل	۶۹	۷۶	۷۴	۸۳	۸۲	۶۶	۶۹	۶۲

مأخذ: مجمع جهانی اقتصاد، ۲۰۱۸

نکته قابل توجه این است که ایران در رکن "اندازه بازار" که مجموع بازار داخلی و صادراتی را شامل می‌شود، همواره بالاترین امتیاز را در بین کشورهای منطقه و حتی در بسیاری از کشورهای پیشرو به خود اختصاص داده، حتی نسبت به کشور سوئیس، در وضعیت بهتری قرار داشته است. با این وجود، به علت ضعف در دیگر ارکان، نتوانسته‌ایم به خوبی از این فرصت بهره ببریم و جایگاه خود را از منظر رقابت‌پذیری جهانی آنچنان‌که باید و شاید، ارتقا دهیم. ایران در دو رکن "کارآیی بازار نیروی کار" و "کارآیی بازار کار"، کمترین فاصله را با کشور یمن که در انتهای جدول رقابت‌پذیری قرار گرفته است، دارد (گزارش سالانه رقابت‌پذیری جهانی، مجمع جهانی اقتصاد، ۲۰۱۸).

۲-۲. مبانی نظری حکمرانی خوب

بنا به عقیده نگوبو و فودا^۱ (۲۰۱۲)، مفهوم حکمرانی خوب از اوایل دهه ۱۹۹۰ مورد توجه قرار گرفت. در واقع هنگامی که نهادهای کمک‌رسان بین‌المللی تشخیص دادند که کشورهای فقیر و

1. Ngobo & Fouda

در حال توسعه، موانع متعددی برای رسیدن به توسعه اقتصادی خود دارند، مفهوم حکمرانی خوب نیز جایگاه خود را به عنوان یکی از عوامل پیشران رشد و توسعه اقتصادی در اقتصادهای مختلف پیدا کرد.

برنامه توسعه سازمان ملل متحد^۱، حکمرانی خوب را اعمال قدرت سیاسی، اقتصادی و اداری برای مدیریت امور عمومی یک کشور در همه سطوح تعریف می‌کند. حکمرانی مشتمل بر سازوکار و فرایندها و نهادهایی است که از طریق آن، شهروندان و تشکل‌ها، منافع، ابراز و حقوق قانونی خود را استفاده نموده، تعهدات و تکالیف خود را ایفا و اختلافات را با میانجی‌گری حل نمایند.

در تعریف دیگری از یونسکو^۲ در سال ۲۰۰۲، حکمرانی خوب به معنای سازوکارها، فرایندها و نهادهایی است که به واسطه آنها، شهروندان گروه‌ها و نهادهای مدنی، منافع مدنی خود را دنبال می‌کنند و حقوق قانونی خود را به اجرا درمی‌آورند و تعهدات‌شان را برآورده می‌سازند (میدری، ۱۳۸۵).

همچنین حکمرانی خوب را فرایند تصمیم‌گیری و اجرای تصمیم‌ها با تمرکز بر بازیگران رسمی و غیررسمی تعریف می‌کنند.

بانک جهانی، حکمرانی خوب را بر اساس ۶ شاخص تعریف نموده و بر اساس این شاخص‌ها، وضعیت حکمرانی خوب را در دوره ۲۰۰۲-۱۹۹۶ هر دو سال یک‌بار و از سال ۲۰۰۲ به بعد، به صورت سالانه در کشورهای مختلف مورد ارزیابی قرار داده است که این شاخص‌ها عبارت‌اند از:

حق اظهار نظر و پاسخگویی^۳: بدین مفهوم که مردم بتوانند دولت را در برابر آنچه بر مردم تأثیر می‌گذارد، مورد سؤال و بازخواست قرار دهند. این شاخص، بیانگر مفهوم‌هایی مانند حقوق سیاسی، آزادی بیان و تجمعات سیاسی و اجتماعی، آزادی مطبوعات، میزان نمایندگی حاکمان از طبقه‌های اجتماعی، فرایندهای سیاسی در برگزاری انتخابات و ... است.

ثبات سیاسی و عدم خشونت^۴: این شاخص به میزان ثبات رژیم حاکم و رهبران آن، درجه احتمال تداوم حیات مؤثر دولت و تداوم سیاست‌های جاری در صورت مرگ‌ومیر یا تغییر رهبران و دولتمردان فعلی می‌پردازد.

کارایی و اثربخشی دولت^۵: بیانگر کارآمدی دولت در انجام وظایف محوله که شامل مقولات ذهنی همچون کیفیت تهیه تدارک خدمات عمومی یا کیفیت نظام اداری، صلاحیت و شایستگی کارگزاران و استقلال خدمات همگانی از فشارهای سیاسی است.

-
1. UNDP
 2. UNESCO
 3. Voice and accountability
 4. Political stability and absence of violence
 5. Government effectiveness

بار مالی مقررات^۱: بر روی سیاست‌های ناسازگار با بازار تمرکز دارد. سیاست‌هایی از قبیل کنترل قیمت‌ها، عدم نظارت کافی بر سیستم بانکی و همچنین هزینه وضع قوانین برای محدودیت بیش از اندازه تجارت خارجی.

حاکمیت قانون^۲: میزان احترام عملی که دولتمردان و شهروندان یک کشور برای نهادهایی قائل هستند که با هدف وضع و اجرای قانون و حل اختلاف ایجاد شده است.

کنترل فساد^۳: استفاده از قدرت و امکانات عمومی در جهت منافع شخصی. این شاخص، مفهوم‌هایی مانند فساد در میان مقامات رسمی، اثربخشی تدبیرهای ضد فساد، تأثیر آن بر جذب سرمایه‌های خارجی، پرداخت اضافی یا رشوه برای گرفتن مجوزهای اقتصادی و ... را اندازه‌گیری می‌کند.

در این تعریف، هراندازه ویژگی‌های مثبت مانند حاکمیت قانون، پاسخگویی و اثربخشی دولت در یک جامعه بیشتر، و فساد، مقررات اضافی، بی‌ثباتی سیاسی و خشونت کمتر باشد، حکمرانی در آن جامعه برای نیل به توسعه مناسب‌تر است.

نقش کلیدی حکمرانی در استفاده از نهادها و سیاست‌های اقتصادی در عملکردها و کارکردهای آن اقتصاد در عرصه ملی و بین‌المللی تجلی می‌یابد. از آنجاکه همواره در علم اقتصاد بحث می‌شود که قیمت‌ها برای فعالان اقتصادی، علامت دهنده هستند و انتخاب تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری و مصرف آینده آنان را شکل می‌دهند، انتظار می‌رود که حکمرانان، سیاست‌های اقتصادی تنظیم‌گری خود را به گونه‌ای به کارگیرند که بتوانند نقش جدی در توسعه فضای رقابتی و علامت‌دهی صحیح به فعالان اقتصادی را ایفا کنند و همچنین در راستای تخصیص بهینه منابع، به افزایش قدرت رقابت‌پذیری اقتصاد کمک نمایند. برای مثال، حکمرانانی که سعی در پوشاندن نقایص مکانیسم بازارها دارند، قیمت‌های نسبی عوامل را به گونه‌ای تعیین می‌کنند که با فراوانی فیزیکی نسبی عوامل تناسب داشته باشد، نه اینکه به صورت دستوری و بر اساس ملاحظات سیاسی، آن قیمت‌ها تعیین شود. این گونه قیمت‌گذاری‌ها حاوی اطلاعات اشتباه و ناقص برای سرمایه‌گذاران است و لذا تخصیص بهینه منابع را مختل می‌سازد. در واقع، تفاوت عملکردهای حکمرانی در نحوه هدایت اقتصاد و به‌کارگیری سیاست‌های اقتصادی مشخص می‌شود.

حکمرانان خوب همواره سعی دارند، متناسب با فضای اقتصادی خود از طریق قیمت‌گذاری صحیح به استفاده از مزیت‌های نسبی طبیعی بپردازند و همچنین با ایجاد انحرافات عمدی، قیمت‌های نسبی عوامل به نفع عوامل تولید دانش‌محور همچون هزینه تحقیق و توسعه، سرمایه

-
1. Regulatory quality
 2. Rule of law
 3. Control of corruption

انسانی، ابداع و نوآوری و ... به ایجاد مزیت‌های نسبی اکتسابی، مزیت رقابتی و افزایش بهره‌وری عوامل تولید خود کمک کنند. در نتیجه، شاهد افزایش سهم این اقتصادها در تولید جهانی، تجارت جهانی، تولید و صادرات کالاهای با تکنولوژی بالا، ارزش افزوده بخش کارخانه‌ای و صنعتی، ایجاد جاذبه برای سرمایه‌گذاران خارجی و همچنین توسعه بازار با مؤلفه‌های اقتصاد دانش‌محور و ... خواهیم بود (شاه‌آبادی و پورجوان، ۱۳۸۹).

بررسی گزارش بانک جهانی (سال ۲۰۱۶) (جدول شماره ۲) نیز نشان می‌دهد که ایران در اکثر شاخص‌های حکمرانی خوب، در دهک‌های پایین رتبه‌بندی قرار دارد. همه امتیازهای اختصاص‌یافته به نماگرهای حکمرانی خوب، بین ۲/۵- تا ۲/۵ قرار دارند. اعداد مثبت، نشان‌دهنده بهبود وضعیت و اعداد منفی، نشان‌دهنده وضعیت نامناسب اقتصاد توسعه است. در ایران، تمامی شاخص حکمرانی، همواره منفی بوده‌اند.

جدول ۲. وضعیت کشور در شاخص‌های حکمرانی خوب در سال ۲۰۱۵

شاخص	رتبه	تخمین حکمرانی (از ۲/۵- تا ۲/۵)
رسیدگی به صدای مردم و پاسخگویی	۵/۴۲	-۱/۵۴
ثبات سیاسی و نبود خشونت	۱۷/۱۴	-۰/۹۱
اثربخشی دولت	۴۷/۱۲	-۰/۲۰
کیفیت تنظیم مقررات	۶/۷۳	-۱/۲۸
حاکمیت قانون	۱۶/۳۵	-۰/۹۵
کنترل فساد	۳۱/۷۳	-۰/۶۱

مأخذ: گزارش بانک جهانی، سال ۲۰۱۶

۳. مروری بر پیشینه پژوهش

هیوانگ و هو^۱ (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان "حکمرانی، رقابت‌پذیری و رشد اقتصادی"، به بررسی رابطه بین حکمرانی، رقابت‌پذیری و رشد اقتصادی در ۱۲ کشور آسیایی در دوره زمانی ۲۰۱۴-۱۹۹۶ پرداختند. آنها به این نتیجه رسیدند که بین حکمرانی دولت بخصوص کارآمدی دولت و حاکمیت قانون و رشد اقتصادی و رقابت‌پذیری، رابطه معناداری وجود دارد. رودرا و سانیل^۲ (۲۰۱۱) در پژوهشی به بررسی یکی از شاخص‌های حکمرانی خوب (ثبات سیاسی و نبود خشونت) در کشورهای منتخب جهان در دوره زمانی ۲۰۰۷-۱۹۹۷ پرداختند. آنها در این پژوهش از روش داده‌های تابلویی برای تخمین مدل استفاده نمودند و به این نتیجه رسیدند که بی‌ثباتی سیاسی در این کشورها، بر رقابت‌پذیری، تأثیر منفی می‌گذارد.

1. Huang & Ho
2. Rudra & Sanyal

موریسی^۱ (۲۰۱۲) در پژوهشی تحت عنوان "حکمرانی، سرمایه‌گذاری خصوصی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای در حال توسعه"، به بررسی این امر که آیا سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، با سرمایه‌گذاری بخش خصوصی جایگزین خواهد شد و آیا اجزای جایگزین حکمرانی بر رابطه بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و سرمایه‌گذاری خصوصی، تأثیر متفاوتی خواهد داشت یا خیر، پرداخته است. نتایج نشان داد که سرمایه‌گذاری کل (سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و سرمایه‌گذاری خصوصی) در کشورهایی با حکمرانی خوب بیشتر است، در اینجا تراکم جابه‌جایی (جابه‌جایی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با سرمایه‌گذاری خصوصی داخلی) و میزان توسعه این جابه‌جایی به نوع حکمرانی مربوط می‌شود. انحراف و عدم ثبات سیاسی، نوعی از شاخص‌های حکمرانی می‌باشند که تأثیر عمده‌ای بر روی سرمایه‌گذاری دارند. ثبات سیاسی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین جنبه‌های حکمرانی در رابطه بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و سرمایه‌گذاری خصوصی مطرح است. افزایش در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در رژیم‌های ثابت سیاسی، تأثیر عمده‌ای در کاهش سرمایه‌گذاری خصوصی دارد، اما سرمایه‌گذاری کل را افزایش می‌دهد.

مرادی و سلمان پور (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان "تأثیر حکمرانی خوب بر توزیع درآمد در کشورهای منتخب عضو سازمان همکاری اسلامی"، به تأثیر حکمرانی خوب بر ضریب جینی در کشورهای منتخب پرداخته‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد، از بین شاخص‌های حکمرانی خوب، همه شاخص‌ها بجز شاخص کنترل فساد به همراه متغیرهای مخارج مصرفی دولت و سهم صادرات از تولید ناخالص داخلی، اثر منفی و معناداری بر ضریب جینی کشورهای مورد مطالعه دارند و افزایش در این متغیرها موجب برابری در توزیع درآمد می‌شوند. شاخص کنترل فساد نیز به همراه درآمدهای مالیاتی دولت و نرخ تورم و بیکاری اثر مثبت و معنی‌داری بر نابرابری توزیع درآمد این کشورها دارند.

ادیب پور و محمدی ویایی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان "اثر فساد اقتصادی بر نابرابری توزیع درآمد"، به بررسی اثر فساد اقتصادی بر ضریب جینی به‌عنوان شاخص نشان‌دهنده توزیع درآمد در دو گروه از کشورهای با درآمد بالا شامل آلمان، فرانسه، ایتالیا، کانادا و ژاپن و با درآمد متوسط شامل ایران، ترکیه، هند، مالزی و چین، در دوره زمانی ۲۰۱۲-۲۰۰۰ می‌پردازد. نتایج حاصل از برآورد الگوی داده‌های تلفیقی، نشان می‌دهد که فساد، تأثیر مثبت و معناداری بر ضریب جینی دارد؛ بدین معنا که با افزایش فساد اقتصادی در هر دو گروه از کشورها، نابرابری اقتصادی افزایش خواهد یافت. افزون بر این، نتایج مطالعه ایشان نشان می‌دهد، اثر رشد اقتصادی بر نابرابری درآمد در کشورهای با درآمد بالا، منفی و برای کشورهای با درآمد متوسط، مثبت است. همچنین مالیات، تأثیر منفی بر نابرابری درآمدی بر جای گذاشته، در حالی که بیکاری موجب افزایش نابرابری درآمدی می‌شود.

عزیزی و خورسندی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان "بررسی اثر حکمرانی خوب بر آسیب‌پذیری اقتصادی (رهیافت بین‌کشوری)"، به دنبال پاسخ به این سؤال هستند که آیا حکمرانی خوب می‌تواند باعث کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد شود. در این راستا، از برآورد دو رگرسیون بین‌کشوری با در نظر گرفتن داده‌های مقطعی برای میانگین سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۰۹ استفاده شده است. نتایج حاصل از هر دو رگرسیون، نشان می‌دهد که حکمرانی خوب، اثر منفی و معنادار بر میزان آسیب‌پذیری اقتصادی کشورها دارد؛ بنابراین، نتایج بیانگر این است که کشوری که دارای حکمرانی بهتر است، می‌تواند با اتکا به مکانیزم‌ها، فرایندها و نهادهای کارای خوب، درجه آسیب‌پذیری را کاهش دهد.

کیمیایی و ارباب‌افضلی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان "تأثیر حکمرانی و عوامل اقتصاد دانش‌بنیان بر صادرات اقتصادهای نوظهور"، به بررسی تأثیر عوامل نهادی (حکمرانی) و مؤلفه‌های منتخب اقتصاد دانش‌بنیان (انباشت هزینه‌های تحقیق و توسعه، سرمایه انسانی و فناوری اطلاعات و ارتباطات) و متغیر قیمتی (نرخ ارز) بر صادرات اقتصادهای نوظهور طی دوره زمانی (۲۰۱۳-۱۹۹۶) پرداخته‌اند. نتایج مطالعه که به روش داده‌های پانل انجام گرفته، بیانگر تأثیر مثبت و معنادار شاخص حکمرانی خوب بر صادرات است. همچنین مؤلفه‌های دانش (انباشت تحقیق و توسعه داخلی، انباشت فناوری اطلاعات و ارتباطات و انباشت هزینه‌های آموزشی به‌عنوان جانشین سرمایه انسانی)، تأثیر مثبت و معناداری بر توسعه صادرات اقتصادهای نوظهور دارند. متغیر قیمتی نرخ ارز نیز تأثیر مثبت و معناداری بر صادرات اقتصادهای نوظهور دارد؛ بنابراین، می‌توان بیان داشت که مؤلفه‌های جدید تولید، نقش تعیین‌کننده در توسعه صادرات اقتصادهای نوظهور دارد.

مهدوی عادل و همکاران (۱۳۸۵) در پژوهشی با عنوان "تأثیر حکمرانی خوب بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای با درآمد متوسط"، با استفاده از روش داده‌های ترکیبی (پانل)، شاخص‌های توسعه یافته جدیدی را به کار برده تا تأثیر حکمرانی خوب بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را برای نمونه‌های ۳۴ کشوری از کشورهای با درآمد متوسط (شامل ایران) بین سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۴ برآورد کنند. نتایج تخمین‌ها نشان می‌دهد که حکمرانی خوب، از عوامل مؤثر در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای با درآمد متوسط است.

۴. روش پژوهش

روش جمع‌آوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای بوده و منبع اطلاعات این پژوهش، از داده‌های سری زمانی بانک مرکزی ایران استخراج گردیده، و نمونه آماری این پژوهش شامل ۱۱ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران^۱ در دوره ۱۳۹۶-۱۳۸۹ به دلیل وجود آمار و

۱. شامل شرکت‌های آلومینیوم، ایران خودرو، ایران دارو، پتروشیمی آبادان، تراکتورسازی، خدمات کشاورزی، دارو پخش، صنایع کاشی و سرامیک الوند، مخابرات، لیزینگ ایرانیان، مس ایران

همچنین اهمیت این شرکت‌ها در حوزه صادرات انتخاب شده است؛ زیرا در این دوره، صادرات از اهمیت خاصی برخوردار بود. همچنین در این پژوهش، برای انجام آزمون مربوط به مانایی متغیرها از آزمون لوین- لین و چو و هادری و آزمون کائو و پدرونی جهت بررسی رابطه همجمعی و بلندمدت بین متغیرها استفاده می‌شود. پس از بررسی مانایی و رابطه همجمعی بین متغیرهای پژوهش، با استفاده از داده‌های تلفیقی و تحلیل رگرسیون چندگانه با نرم‌افزار E-Views و تکنیک داده‌های تابلویی، به بررسی فرضیه پژوهش پرداخته می‌شود.

۴-۱. ارائه مدل و معرفی متغیرها

در واقع، نحوه حکمرانی در یک کشور در بسیاری از موارد در ارتباط مستقیم با نهادهای موجود در یک کشور می‌باشد، با در نظر گرفتن پژوهش‌های مختلفی که در زمینه درج عوامل نهادی همچون نوع حاکمیت در توابع تولید و رشد اقتصاد رقابت‌پذیر انجام گرفته و با توجه به مبانی نظری ارائه شده، مدل مورد استفاده در این پژوهش براساس مطالعات هیوانگ و هو^۱ (۲۰۱۷) می‌باشد

بر اساس مبانی نظری و مطالعات تجربی و واقعیات موجود، الگوی مورد مطالعه در این پژوهش، به صورت معادله شماره (۱) بیان شده است:

$$Cp = (R, Gg, Er, Ra, Ca, Gdp, Sance) \quad (1)$$

که در آن:

Cp: رقابت‌پذیری، R: بازدهی، Gg: حکمرانی، Er: نرخ ارز، Ra: نرخ واقعی، Ca: سرمایه کل و Gdp: تولید ناخالص داخلی تعریف شده است. Sance برداری شامل متغیرهای مجازی است که به عنوان متغیر جایگزین برای تحریم‌های اعمال شده از سوی ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا و سازمان ملل (شورای امنیت) بر ایران در نظر گرفته شده‌اند.

نرخ واقعی ارز

به طور معمول جهت محاسبه نرخ واقعی ارز، از حاصل ضرب نرخ ارز اسمی در نسبت شاخص قیمت کالاهای خارجی به شاخص قیمت کالاهای داخلی استفاده می‌گردد.

برای محاسبه نرخ واقعی ارز در ایران، می‌توان از رابطه زیر استفاده کرد:

$$RE R = e * (CPI^{US} / CPI^{IR}) \quad (2)$$

که در آن:

e نرخ ارز اسمی (بازار آزاد)، CPI^{IR} شاخص قیمت کالاها در ایران و CPI^{US} شاخص قیمت کالاها در خارج (آمریکا) است.

نحوه اثر گذاری نرخ واقعی ارز بر صادرات، به این صورت است که به عنوان مثال، کاهش در آن یا تقویت ارزش پول ملی، منعکس کننده افزایش در هزینه داخلی تولید کالاهای تجاری می‌باشد. اگر تغییری در قیمت‌های نسبی بقیه جهان به وجود نیاید، این کاهش در مقدار نرخ واقعی ارز، نشان‌دهنده تضعیف توان رقابت بین‌المللی کشور است. در این حالت، کشور کالاهای تجاری را در مقایسه با بقیه جهان با کارآیی کمتری نسبت به گذشته تولید می‌کند. افزایش در نرخ واقعی ارز یا تضعیف ارزش پول ملی، نمایانگر بهبود در قابلیت رقابت بین‌المللی کشور می‌باشد.

بازدهی

در حالت کلی، بازده سهام، مجموعه مزایایی است که در طول یک دوره به سهم تعلق می‌گیرد؛ مانند افزایش قیمت سهام، سود نقدی، مزایای ناشی از حق تقدم، سهام جایزه، افزایش سرمایه از محل مطالبات و آورده نقدی. فرمول کلی محاسبه بازده سهام به شرح زیر است [۵].

$$\text{بازده سهام} = [P_t (1 + \alpha + \beta) - (P_{t-1} - C) + D] \div [(P_t + C)] \quad (3)$$

در این فرمول:

P_t : قیمت سهم در پایان دوره؛

P_{t-1} : قیمت سهم در ابتدای دوره؛

α : درصد افزایش سرمایه از محل مطالبات و آورده نقدی مانند حق تقدم؛

β : درصد افزایش سرمایه از محل اندوخته‌ها مانند سهام جایزه.

تولید ناخالص داخلی

در میان شاخص‌های اقتصاد کلان، تولید ناخالص داخلی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا نه تنها به عنوان مهمترین شاخص عملکرد اقتصادی در تجزیه و تحلیل‌ها و ارزیابی‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد، بلکه بسیاری از دیگر اقلام کلان اقتصاد، از محصولات جنبی محاسبه و برآورد آن محسوب می‌شوند. کل ارزش ریالی محصولات نهایی تولید شده توسط واحدهای اقتصادی مقیم کشور در دوره زمانی معین (سالانه یا فصلی) را تولید ناخالص داخلی می‌نامند. یکی از شاخص‌های تعیین مزیت رقابتی، استفاده از شاخص‌های مزیت نسبی است که معروف‌ترین آنها به شرح زیر است:

شاخص مزیت نسبی آشکار شده (RCA)^۱:

نخستین شاخص مزیت نسبی مطرح شده، شاخص RCA است که مفهوم و اصطلاح مزیت نسبی آشکار شده یا بارز برای صادرات است که برای نخستین بار، بالاسا^۲ (۱۹۶۵) در پژوهشی

1. Revealed Comparative Advantage
2. Balasa

با عنوان آزادسازی تجارت و مزیت نسبی آشکار، معیار صادرات نسبی را به صورت نسبت سهم یک کشور در صادرات کالای خاص نسبت به صادرات آن کشور از کل صادرات جهان، بیان شده است. افزون بر این، تغییرات شاخص یادشده در طی زمان نیز تغییر در جایگاه مزیت نسبی یک کالا تلقی می‌شود. این تغییر در مزیت نسبی، ممکن است به دلایلی همچون کاهش نسبی هزینه تولید کالا، تغییر در مبادله ارز و یا تغییر در موانع تجاری داخل و یا کشورهای متقاضی کالا باشد. شاخص مزیت نسبی آشکار شده (RCA)، از رابطه شماره (۴) به دست می‌آید:

$$RCA = [X_{ij} / \sum_i X_{ij}] \div [\sum_j X_{ij} / \sum_i \sum_j X_{ij}] \quad (۴)$$

که در آن، X_{ij} ارزش صادرات کالای i ام توسط کشور j ، $\sum_i X_{ij}$ ارزش کل صادرات کشور مورد مطالعه، $\sum_j X_{ij}$ ارزش کل صادرات کالای مورد نظر در کشور و $\sum_i \sum_j X_{ij}$ ارزش کل صادرات کشور است.

به عبارت دیگر، صورت کسر سهم کالای صادرات از کل صادرات کشور مورد بررسی و مخرج کسر، سهم کالای صادرات از کل صادرات جهان است. شاخص مزیت نسبی آشکار شده، مقادیری بین صفر و بینهایت به خود می‌گیرد. قرار گرفتن مقدار شاخص در دامنه صفر تا یک، نشان‌دهنده عدم وجود مزیت نسبی در تولید کالای مورد نظر و مقادیر یک تا بی‌نهایت، نشان‌دهنده وجود مزیت و حرکت به سوی تخصصی شدن تجارت است.

شاخص ضریب مکان (LQ)^۱: ضریب مکان برای نخستین بار توسط سارجنت فلورانس^۲ مطرح شده است و اهمیت نسبی فعالیت‌ها را در اقتصاد ملی نشان می‌دهد. این ضریب، نسبت ساده‌ای از سهم نوعی فعالیت خاص از کل فعالیت یک منطقه نسبت به سهم همان فعالیت در کل فعالیت در اقتصاد ملی تعریف می‌شود. شاخص ضریب مکان در متداول‌ترین شکل خود، ابزاری برای اندازه‌گیری درجه تخصص تولیدی یک منطقه در فعالیت‌های مختلف اقتصادی به شمار می‌آید. در این شاخص، متغیرهایی همچون ارزش افزوده بخش‌ها، میزان تولید بخش‌ها، میزان اشتغال، میزان سرمایه‌گذاری و ... هر یک از فعالیت‌های اقتصادی استان نسبت به ارزش افزوده بخش‌ها، میزان تولید بخش‌ها، میزان اشتغال، میزان سرمایه‌گذاری و ... همان فعالیت اقتصادی در کل استان سنجیده می‌شود و در فعالیت‌هایی که تخصص تولیدی دارند، نمایان می‌شود. فرمول ضریب مکان به صورت معادله (۵) نمایش داده می‌شود:

$$LQ = [R_{ij} / \sum_i R_{ij}] \div [\sum_j R_{ij} / \sum_i \sum_j R_{ij}] \quad (۵)$$

که R_{ij} میزان تولید محصول i ام در گروه کالاهای کشور j ، $\sum_i R_{ij}$ میزان تولید کلیه گروه کالاهای کشور j ، $\sum_j R_{ij}$ میزان تولید فعالیت اقتصادی i ام در سطح کشور و $\sum_i \sum_j R_{ij}$ میزان تولید کلیه فعالیت‌های اقتصادی کشور است.

1. Location Quotient
2. Florence

اگر $LQ > 1$ باشد، بخش I در منطقه، دارای مزیت بوده و در آن فعالیت، خودکفا بوده و نشان‌دهنده این است که این فعالیت موردنظر در منطقه از تخصص بیشتری در مقایسه با کشور برخوردار است و به عبارت دیگر، بیشتر از حد نیاز منطقه، توان تولید دارد و تمرکز فعالیت در سطح ناحیه بوده و در نتیجه، می‌تواند به سایر نقاط کشور کالا صادر نماید.

اگر $LQ = 1$ باشد، یعنی فعالیت موردنظر در کشور و منطقه، به یک نسبت، دارای توان تخصصی بوده و توانایی صدور منطقه بیشتر از کشور نیست و نشان‌دهنده خودکفایی ناحیه موردنظر است، در این حالت میزان صادرات مشخص نیست، ولی در صورتی $LQ < 1$ باشد، بخش I نیاز به واردات دارد؛ آنگاه می‌توان گفت که منطقه در آن فعالیت، مزیت نسبی نداشته و مجبور است حداقل بخشی از محصولات آن فعالیت را از دیگر مناطق وارد نماید (فلگ و همکاران^۱، ۲۰۰۰).

به‌طور معمول، هنگامی که مقدار شاخص برابر با واحد است، تولید منطقه‌ای با تولید ملی در فعالیت موردنظر برابر است و تولید منطقه، پاسخگوی مصرف (تقاضا) در منطقه است. در این صورت، منطقه کالا یا خدمت موردنظر را وارد یا صادر نمی‌کند. به‌طور مشابه، مقدار شاخص بزرگ‌تر از واحد نشان می‌دهد که منطقه در فعالیت موردنظر نسبت به کل استان دارای تخصص تولیدی بیشتری است و در منطقه موردنظر، مازاد وجود دارد و منطقه این مازاد را صادر می‌کند و مقدار شاخص کمتر از واحد، نشان می‌دهد که منطقه در فعالیت موردنظر نسبت به کل استان، دارای تخصص تولیدی کمتری است.

نتایج این مرحله، وضعیت موجود ساختار اقتصادی استان و مزیت نسبی هر یک از آنها را در یک از فعالیت‌های عمده اقتصادی (صنعت و کشاورزی) مشخص می‌سازد. این شاخص به‌طور معمول توسط برنامه ریزان اقتصاد منطقه‌ای به کار برده می‌شود و هنگامی دارای معنا است که برای مقایسه بین مناطق مختلف و تعیین توانمندی‌های هر منطقه برای تولید یک کالا به کار گرفته می‌شود. در واقع، از آنجایی که توسعه را ترسیم می‌کند، بهتر آن است که این معیار برای مناطق مختلف یک کشور محاسبه و ارزیابی شود.

شاخص هزینه منابع داخلی (DRC):

این معیار نخستین بار توسط برونو^۳ در سال ۱۹۷۲ مطرح شد. برای هزینه منابع داخل، تعاریف متعددی وجود دارد؛ از جمله شاخص هزینه منابع داخلی یک فعالیت اقتصادی، عبارت است از ارزش افزوده به قیمت داخلی در مقایسه با ارزش افزوده به قیمت‌های بین‌المللی (درویس و همکاران^۴، ۱۹۸۲) و هزینه منابع داخلی به اندازه‌گیری هزینه فرصت از دست‌رفته واقعی منابع

1. Flegg *et al.*

2. Domestic Resource Cost (DRC)

3. Bruno

4. Dervis *et al.*

داخلی که صرف تولید (یا صرفه‌جویی) یک واحد ارز می‌شود، مربوط است (برونو، ۱۹۷۲). این معیار در حقیقت هزینه فرصت مناسب صرفه‌جویی شده عامل‌های تولید داخلی را با کمترین هزینه حاصل از هر واحد ارز خارجی برای یک کالای خاص مقایسه می‌کند و از این رو، می‌تواند نشان‌دهنده هزینه فرصت منابع داخلی تولید کالایی به ارزش یک دلار باشد.

معیار هزینه منابع داخلی، از رابطه شماره (۶) به دست می‌آید (عزیزی و زیبایی، ۱۳۸۰):

$$DRC = [(\sum B_{k0} P_k^S) \div (P_0^S - \sum A_{j0} P_j^S)] = [(\sum B_{k0} P_k^S) \div (P_0^b - \sum A_{j0} P_j^b) \times E] \quad (6)$$

که در آن: P_0^S قیمت سایه‌ای، P_j^S قیمت سایه‌ای نهاده‌های قابل تجارت، P_k^S قیمت سایه‌ای نهاده‌های غیرقابل تجارت، A_{j0} مقدار لازم از نهاده j برای تولید یک واحد محصول، B_{k0} مقدار لازم از نهاده k برای تولید یک واحد محصول، P_0^b قیمت جهانی محصول برحسب پول خارجی، P_j^b معادل قیمت سایه‌ای یک واحد محصول در خارج (برحسب پول خارجی) و E نرخ برابری قدرت خرید که به‌عنوان ارزش سایه‌ای نرخ ارز در نظر گرفته می‌شود که از رابطه شماره (۷) به دست می‌آید:

$$E = [CPI_d / CPI_f] E_0 \quad (7)$$

که در آن، E_0 نرخ ارز در سال پایه، CPI_d شاخص قیمت مصرف‌کننده داخلی و CPI_f شاخص قیمت مصرف‌کننده خارجی بوده و بر اساس این رابطه، اگر $DRC < 1$ باشد، مزیت نسبی در تولید وجود دارد. اگر $DRC = 1$ باشد، در نقطه سر به سر هستیم و اگر $DRC > 1$ باشد، مزیت نسبی در تولید وجود ندارد.

۵. یافته‌های پژوهش

در این بخش پژوهش، به برآورد الگو و تجزیه و تحلیل یافته‌های آماری پرداخته می‌شود. پیش از برآورد الگوی نهایی، لازم است مانایی تمام متغیرهای مورد استفاده آزمون گردد؛ زیرا نامایی متغیرها باعث بروز رگرسیون کاذب می‌شود. جهت بررسی مانایی متغیرها، از آزمون لوین- لین و چو^۱ و هادری^۲ استفاده شده است. این آزمون‌ها از مهم‌ترین آزمون‌های ریشه واحد در داده‌های ترکیبی است. در این آزمون، فرضیه صفر مبنی بر وجود یک ریشه واحد است. نتایج مربوط به مانایی متغیرهای الگو در جدول شماره (۳) گزارش شده است. در این جدول، اعداد داخل پرانتز، احتمال متغیرها را نشان می‌دهند.

جدول ۳. نتایج آزمون ریشه واحد متغیرها

نتیجه آزمون	آماره آزمون Hadri	آماره آزمون Levin, Lin & Chu	متغیر
I (0)	-۷۰/۷۰	-۱۷/۳۰	رقابت‌پذیری
I (0)	-۹/۳۷	-۱۱/۸۴	بازدهی
I (0)	-۱۰/۲۱	-۱۹/۸۳	حکمرانی
I (1)	-۶/۸۹	-۲۶/۹۹	نرخ ارز
I (1)	-۱۵/۶۰	-۲۸/۹۶	نرخ واقعی
I (0)	-۲۳/۹۳	-۲۸/۱۱	سرمایه کل
I (1)	-۱۹/۸۴	-۲۴/۱۳	تولید ناخالص داخلی

مأخذ: یافته‌های پژوهش

بر اساس نتایج آزمون‌های ایستایی لوین، لین، و هادری این نتایج حاصل شد که همه متغیرهای مورد مطالعه بجز نرخ ارز، نرخ ارز واقعی، تولید ناخالص داخلی در سطح ۵ درصد معنی‌دار بوده و فرض صفر قابل رد کردن است و به عبارتی، در سطح مانا شدند؛ اما متغیرهای نرخ ارز، نرخ ارز واقعی، تولید ناخالص داخلی با یک‌بار تفاضل‌گیری، ایستا شدند. به‌منظور بررسی هم‌انباشتگی متغیرها از آزمون کائو^۱ و پدرونی^۲ استفاده شده است. نتایج این آزمون در جدول شماره (۴) و (۵) گزارش شده است.

جدول ۴. نتایج آزمون هم‌انباشتگی

عرض از مبدأ		آزمون
احتمال	مقدار آماره	
۰/۰۰۰	-۵/۳۸	آماره - ADF تلفیقی

مأخذ: یافته‌های پژوهش

مقدار آماره t مربوط به آن، برابر $-۵/۳۸$ و احتمال آن برابر با $۰/۰۰۰$ است که نشان‌دهنده رد فرض صفر مبنی بر نبود رابطه هم‌جمعی بین متغیرها است. در نتیجه، آزمون کائو وجود رابطه هم‌جمعی بین متغیرهای الگو را تأیید می‌کند و بنابراین، یک رابطه تعادلی بلندمدت بین حکمرانی خوب شرکت‌ها و متغیرهای مستقل معرفی شده وجود دارد.

1. Kao
2. Pedroni

جدول ۵. نتایج آزمون هم‌انباشتگی پدرونی

نوع آماره	هم‌انباشتگی تلفیقی		هم‌انباشتگی تلفیقی گروهی	
	عرض از مبدأ	عرض از مبدأ و روند	عرض از مبدأ	عرض از مبدأ و روند
آماره - V تلفیقی	۱/۳۲	۲/۴	-	-
مقدار احتمال	۰/۰۹	۰/۰۱	-	-
آماره - RHO تلفیقی	۰/۱۷	۱/۸	۰/۹۶	۱/۸
مقدار احتمال	۰/۶	۰/۹۶	۰/۸۱	۰/۸
آماره - PP تلفیقی	-۲/۴	۰/۴۶	-۴/۲	-۱/۶
مقدار احتمال	۰/۰۱	۰/۵۹	۰/۰۱	۰/۰۵
آماره - ADF تلفیقی	-۲/۴	۰/۰۳	-۳/۲	-۰/۳۹
مقدار احتمال	۰/۰۱	۰/۵	۰/۰۱	۰/۲

مأخذ: یافته‌های پژوهش

در جدول شماره ۵ فرض صفر مبنی بر عدم وجود رابطه هم‌انباشتگی میان متغیرها قابل رد شدن است. بر این اساس، میان متغیرها، ارتباط بلند مدت وجود دارد.

پس از انجام آزمون‌های ریشه واحد و هم‌جمعی، لازم است که آزمون‌های تشخیصی مربوطه برای تعیین نوع مدل تخمینی انجام شود. به‌منظور حصول اطمینان از معنی‌دار بودن گروه شرکت‌های عضو نمونه، از آزمون معنی‌دار بودن گروه استفاده می‌شود. بدین منظور از آماره F استفاده می‌شود. اگر آماره F محاسبه‌شده بزرگ‌تر از F جدول باشد، فرضیه H_0 مبنی بر برابری عرض از مبدأ حذف می‌شود و می‌باید عرض از مبدأهای مختلفی را در برآورد لحاظ نمود. در نتیجه، می‌توان از روش پانل جهت برآورد استفاده کرد.

بر اساس نتایج جدول شماره (۶) فرضیه H_0 مبنی بر برابری عرض از مبدأ رد شده و می‌باید عرض از مبدأهای مختلفی را در برآورد لحاظ نمود. در نتیجه، می‌توان از روش پانل جهت برآورد استفاده کرد.

جدول شماره ۶. نتایج آزمون F لیمر

نتیجه	سطح احتمال	آماره آزمون	آزمون اثرات
روش پانلی	۰/۰۰۰	۳۷/۶۹۶	Section F-cross

مأخذ: یافته‌های پژوهش

برای مشخص نمودن نوع روش تخمین به لحاظ اثرات ثابت یا تصادفی، می‌باید آزمون هاسمن مورد بررسی قرار گیرد. بر اساس نتایج آزمون هاسمن مطابق جدول شماره (۷)، فرضیه H_0 مبنی بر سازگاری تخمین‌های اثر تصادفی در کل کشورهای فوق رد می‌شود و می‌باید تخمین به روش اثرات ثابت صورت گیرد.

جدول ۷. نتایج آزمون هاسمن

نتیجه	سطح احتمال	آماره آزمون	آزمون اثرات
روش اثرات ثابت	۰/۰۰۰	۱۲/۴۲۲	Cross-section random

مأخذ: یافته‌های پژوهش

الگوی پژوهش مورد نظر به صورت رابطه شماره (۶) بیان می‌شود:

$$CP = C(1)*R + C(2)*GG + C(3)*ER + C(4)*RA + C(5)*CA + C(6)*GDP + C(7)*Sance + c(8) \quad (6)$$

جدول ۸. نتایج برآورد الگو

متغیرها	ضریب	آماره t	انحراف معیار	سطح معناداری
مقدار ثابت	-۱۷/۳۷	-۷/۵۳۰	۲/۳۰	۰/۰۰۰۰
بازدهی	۰/۰۰	-۱/۲۸۱	۰/۰۰	۰/۲۰۳۷
حکمرانی	۰/۰۱	۵/۶۹۵	۰/۰۰	۰/۰۰۰۰
نرخ ارز	-۴/۸۷	-۶/۸۱۹	۷/۱۴	۰/۰۰۰۰
نرخ واقعی	۰/۰۸	۸/۵۲۹	۰/۰۱	۰/۰۰۰۰
سرمایه کل	-۱/۳۹	-۶/۷۰۲	۲/۰۸	۰/۰۰۰۰
تولید ناخالص داخلی	۵/۹۰	۱/۹۶۴	۳/۰۰	۰/۰۵۲۹

مأخذ: یافته‌های پژوهش

بر اساس نتایج جدول شماره (۸)، ضریب بازدهی منفی است و سطح معنی‌داری مربوط به آن، حاکی از بی‌معنایی اثر منفی متغیر مذکور بر رقابت‌پذیری است؛ به این معنی که با افزایش شاخص بازدهی، رقابت‌پذیری شرکت‌ها تغییری نمی‌کند و هیچ‌گونه اثری ندارد. اثر حکمرانی بر رقابت‌پذیری شرکت‌های مورد مطالعه مثبت است و آماره t برابر با ۵/۶ بیانگر معنی‌داری اثر این متغیر است؛ به این معنی که با ارتقاء سطح حکمرانی، رقابت‌پذیری شرکت‌ها افزایش می‌یابد. نرخ ارز منفی و معنادار است و بیانگر این مطلب است که با کاهش نرخ ارز، رقابت‌پذیری افزایش می‌یابد. اثر نرخ واقعی بر رقابت‌پذیری مثبت و معنادار، و ضریب متغیر فوق ۰/۰۸ است و بیان می‌کند که با بهبود نرخ واقعی به اندازه یک واحد، رقابت‌پذیری به اندازه ۰/۰۸ واحد افزایش پیدا می‌کند.

سرمایه کل به‌عنوان یکی دیگر از شاخص‌های حکمرانی خوب، تأثیر معکوسی بر رقابت‌پذیری شرکت‌های مورد مطالعه دارد و در سطح صد درصد معنی‌دار بوده، و ضریب متغیر فوق ۱/۳۹- است و بیان می‌کند که با بهبود سرمایه کل به اندازه یک واحد، نابرابری در رقابت‌پذیری به اندازه ۱/۳۹ واحد افزایش پیدا می‌کند. شاخص تولید ناخالص داخلی در سطح اطمینان ۹۵ درصد، تأثیر مثبت و معنی‌داری بر افزایش نابرابری رقابت‌پذیری داشته است. به

عبارت دقیق‌تر، هر یک درصد افزایش در تولید ناخالص داخلی، به کاهش ۵/۹ واحدی رقابت‌پذیری منجر شده است.

۶. بحث و نتیجه‌گیری

حکمرانی خوب که از طریق شاخص‌های فساد ارزیابی می‌شود، متغیرهای کلان اقتصادی کشورها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بر این اساس، سؤالی که پژوهش به دنبال پاسخ به آن بود، این است که آیا حکمرانی خوب بر رقابت‌پذیری شرکت‌های بورس اوراق بهادار تأثیرگذار است؟ پاسخ به این سؤال از آنجا دارای اهمیت است که ساختار بازار سرمایه و بازار بورس به‌گونه‌ای است که می‌تواند تحت تأثیر متغیرهای محیطی قرار گیرد.

بر اساس مبانی نظری، می‌باید بازدهی بر رقابت‌پذیری شرکت‌ها اثرگذار باشد؛ ولی این اتفاق نیفتاده است. درعین حال، حکمرانی خوب توانسته است رقابت‌پذیری شرکت‌ها را تقویت کند و این نشان می‌دهد که نقش سیاست‌های اقتصادی بویژه دخالت دولت در بازار بورس، نقش تعیین‌کننده‌ای در تعیین شاخص‌های رقابت‌پذیری داشته است. همان‌طور که نتایج برآورد نشان می‌دهد، به دلیل اینکه سهم شرکت‌های صادراتی در بازار بورس اوراق بهادار قابل توجه است، اولاً، تغییرات نرخ ارز، رقابت‌پذیری را تحت تأثیر قرار داده و ثانیاً، با کاهش نرخ ارز، رقابت‌پذیری افزایش و با افزایش نرخ ارز، رقابت‌پذیری بهبود پیدا می‌کند. با توجه به اینکه همیشه افزایش سرمایه کل به‌عنوان بهبود وضعیت رقابتی شرکت‌ها نیست، طبق مبانی نظری، تولید ناخالص داخلی یک کشور به‌طور ذاتی باعث بهبود رقابت‌پذیری می‌شود؛ چون حجم اقتصاد را گسترش می‌دهد. در این پژوهش، این موضوع از طریق تأثیر مثبت تولید ناخالص داخلی بر رقابت‌پذیری مشخص شده است.

منابع

- ادیب پور، مهدی و محمدی ویایی، آزاده. (۱۳۹۵). اثر فساد اقتصادی بر نابرابری توزیع درآمد. فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، ۴(۱۴): ۱۶۸-۱۵۲.
- جاسبی، جواد و نفری، ندا. (۱۳۸۸). طراحی الگوی حکمرانی خوب بر پایه نظریه سیستم‌های باز. فصلنامه علوم مدیریت ایران، ۴(۱۶): ۱۱۷-۸۵.
- شاه آبادی، ابوالفضل و پورجوان، عبدالله. (۱۳۸۹). حکمرانی، رقابت‌پذیری و رشد اقتصادی کشورهای منتخب. فصلنامه راهبرد یاس، ۲۲: ۱۶۸-۱۲۹.
- عزیزی، جعفر و زیبایی، منصور. (۱۳۸۰). تعیین مزیت نسبی برنج ایران (مطالعه موردی: استان‌های گیلان، مازندران و فارس). اقتصاد کشاورزی و توسعه، ۳۳: ۹۶-۷۱.
- عزیزی، زهرا و خورسندی، مرتضی. (۱۳۹۵). بررسی اثر حکمرانی خوب بر آسیب‌پذیری اقتصادی (رهیافت بین‌کشوری). فصلنامه سیاست‌گذاری پیشرفت اقتصادی دانشگاه الزهرا، ۴(۳): ۱۴۷-۱۲۹.

- کیمیجانی، اکبر و سلاطین، پروانه. (۱۳۷۸). تأثیر حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در گروه کشورهای منتخب OPEC و OECD. *فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی*، ۲(۲): ۲۴-۱.
- کیمیایی، فاطمه و ارباب‌افزلی، محمد. (۱۳۹۵). تأثیر حکمرانی و عوامل اقتصاد دانش‌بنیان بر صادرات اقتصادهای نوظهور. *فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی*، ۴(۱۳): ۹۵-۱۱۴.
- مهدوی عادل، محمدحسین؛ حسین زاده بحرینی، محمدحسین و جوادی، افشانه. (۱۳۸۵). تأثیر حکمرانی خوب بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای با درآمد متوسط. *دانش و توسعه*، ۱۵(۲۴): ۸۵-۱۰۲.
- مرادی، مهدی و سلمان پور، علی. (۱۳۹۶). تأثیر حکمرانی خوب بر توزیع درآمد در کشورهای منتخب عضو سازمان همکاری اسلامی. *جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، ۴(۱۰): ۳۳-۵۹.
- میدری، احمد. (۱۳۸۵). مقدمه‌ای بر نظریه حکمرانی خوب. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۶(۲۲): ۲۶-۱.
- Adibpour, M., & Mohammadi Viaei, A. (2016). The effect of economic corruption on income distribution inequality. *Quarterly Journal of Strategic and Macro Policies*, 4(14), 152-168 (In Persian).
- Azizi, J., & Zibaei, M. (2001). Determining the comparative advantage of Iranian rice: A case study of Gilan, Mazandaran and Fars provinces. *Agricultural Economics and Development*, 33, 71-96 (In Persian).
- Azizi, Z., & Khorsandi, M. (2016). Study of the effect of good governance on economic vulnerability (cross-country approach). *Economic Development Policy*, 4(3), 129-147 (In Persian).
- Badun, M. (2005). The quality of governance and economic growth in Croatia. *Financial Theory and Practice*, 29(4), 279-308.
- Balassa, B. (1965). Trade liberalization and revealed comparative advantage. *The Manchester School of Economic and Social Studies*, 33, 99-123.
- Bruno, M. (1972). Domestic resource costs and effective protection: Clarification and synthesis. *Journal of political economy*, 80(1), 16-33.
- Competitiveness Report. (2011-2018). <http://www.weforum.org/reports/global>
- Dervis, K., De Melo, J., & Robinson, S. (1982). *General Equilibrium Models for Development Policy*. New York: Cambridge University Press.
- Huang, C. J., & Ho, Y. H. (2017). Governance and economic growth in Asia. *North American Journal of Economics and Finance*, 39, 260-272.
- Jasbi, J., & Nafri, N. (2009). Designing a good governance model based on open systems theory. *Iranian Journal of Management Sciences*, 4(16), 85-117 (In Persian).
- Kimiaei, F., & Arbab Afzali, M. (2016). The effect of governance and factors of knowledge-based economy on the export of emerging economies. *Quarterly Journal of Fiscal and Economic Policies*, 4(13), 95-114 (In Persian).
- Komijani, A., & Solatin, P. (1999). The effect of good governance on economic growth in the group of selected countries OPEC and OECD. *Quarterly Journal of Economic Modeling*, 2(2), 1-24 (In Persian).
- Mahdavi Adeli, M. H., Hosseinzadeh Bahreini, M. H., & Javadi, A. (2006). The effect of good governance on attracting foreign direct investment in middle-income countries. *Knowledge and Development*, 15(24), 85-102 (In Persian).
- Midri, A. (2006). Introduction to the theory of good governance. *Social Welfare Quarterly*, 6(22), 1-26 (In Persian).
- Mohseni Zenuzi, J., & Esmaeli, M. (2013). The effect of state's role on competitiveness. *Macro and Strategic Policy Journal*, 5, 42-65.

- Moradi, M., & Salmanpour, A. (2017). The effect of good governance on income distribution in selected member countries of the Organization of Islamic Cooperation. *Sociology of Social Institutions*, 4(10), 33-59 (In Persian).
- Morrissey, O. (2012). Governance, private investment and foreign direct investment in developing countries. *World development*, 40(3), 437-445.
- Ngobo, P. V., & Fouda, M. (2012). Is 'Good' governance good for business? A cross-national analysis of firms in African countries. *Journal of World Business*, 47(3), 435-449.
- Pajooyan, J., & Faghihnasiri, M. (2010). Competitiveness effect on economic growth, endogenous growth model approach. *Iranian Journal of Economic Research*, 38, 98-132.
- Rudra, P., & Sanyal, G. S. (2011). Good governance and human development: Evidence form Indian States. *Journal of Social and Development Sciences*, 1(1), 1-8.
- Shahabadi, A., & Pourjavan, A. (2010). Governance, competitiveness and economic growth of selected countries. *Yas Strategy Quarterly*, 22, 129-168 (In Persian).
- Shahabadi, A., & Sadeghi, H. (2011). OPEC member countries to assess competitiveness, with an emphasis on innovation driven components. *Roshde-E-Fanavari Journal*, 29, 3-15.
- Totonchyan, I., & Mehrnoosh, M. (2011). Knowledge based competitiveness in Iran. *Economic Research Journal*, 29, 39-58.
- UN DP. (2008). Human Development Report.
- UNESCAP. (2002). What is a Good Governance?.
- World Economic Forum. (2011-2018). The Global Competitiveness Report.
- World Economic Forum. (2014). The Global Competitiveness Report.
- World Economic Forum. (2018). The Global Competitiveness Report.